

مقاله پژوهشی:

راهبردهای بهبود محیط کسب و کار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری با تأکید بر اقتصاد مقاومتی

اله مراد سیف^۱، محمدرضا فرزین^۲، محمود رشیدی اقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

چکیده

تحقیق حاضر با هدف دستیابی به راهبردهای بهبود محیط کسب و کار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری با تأکید بر اقتصاد مقاومتی انجام شد و بر مبنای هدف از نوع تحقیقات کاربردی- توسعه‌ای و از حیث رویکرد در زمره تحقیقات آمیخته اکتشافی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق دو دسته است: جامعه آماری کیفی، مشتمل بر کلیه اسناد و مدارک بالادستی، و جامعه آماری کمی را ۳۰ نفر از خبرگان با استفاده روش خبرگی، تشکیل می‌دهند. جهت شناسایی عوامل راهبردی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار، از روش‌های تحلیل کیفی (خلاصه برداری و جدول‌سازی) و روش‌های آمار کمی (نظیر آمار توصیفی) استفاده شد. همچنین جهت تعیین نقاط قوت، ضعف و فرصت، تهدید موثر بر بهبود فضای کسب و کار، از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و آمار توصیفی استفاده گردید. ارزیابی محیط داخلی و محیط خارجی به کمک تکنیک ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) انجام پذیرفت. تدوین راهبردهای تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار با استفاده از روش‌های کیفی نظیر ماتریس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT)، تحلیل خبرگی انجام گرفت و اولویت راهبردها به روش استفاده از میانگین نظرات تعیین گردید. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد، با اولویت‌ترین راهبرد عبارتست از: اصلاح ساختار اداری متناسب با تغییرات محیط کسب و کار در راستای بهبود فضای کسب و کار و رفع فساد و رانت. همچنین ۹ راهبرد کلان و تعدادی اقدام اجرایی متناظر با هر راهبرد، ارائه شد.

کلید واژه‌ها: راهبرد، فضای کسب و کار، توسعه سرمایه‌گذاری، اقتصاد مقاومتی

۱. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

۲. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده مسئول، ایمیل: mahmoudrashidiaghdam@gmail.com

مقدمه

از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاران اقتصادی دستیابی به رفاه و حل مشکلات اقتصادی جامعه بوده و برای تحقق این امر ارتقاء رشد اقتصادی را مد نظر قرار می‌دهند. از طرفی اصلی‌ترین عامل و محرک رشد اقتصادی را می‌توان سرمایه‌گذاری عنوان کرد؛ عاملی که برای کشورهای در حال توسعه به دلیل کمبود سرمایه و محدودیت‌های فناوری، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و برای حل این معضل توسعه بخش خصوصی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دنبال می‌کند. اما همین امر نیز زمینه گسترده رقابت در سطح بین‌الملل را بوجود آورده و کشورها با اعمال اصلاحات مختلف ساختاری و سیاسی و فرهنگی و... ذیل یک مفهوم کلیدی تحت عنوان بهبود محیط کسب‌وکار دسترسی به اهداف مذکور را محقق می‌کنند. این محیط کسب‌وکار است که می‌تواند برای سرمایه‌گذاران ایجاد انگیزه کرده و یا مخاطراتی برای آنها رقم بزند و حضورشان را تحت تاثیر قرار دهد.

یکی از دغدغه‌های مقام‌معم‌رهبری^(مدظله‌العالی) موضوع بهبود محیط کسب‌وکار بوده و آن را به‌عنوان راهکاری اثربخش برای تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده و بر آن تاکید ویژه داشته‌اند (مقام‌معم‌رهبری، ۱۳۸۹، دیدار کارآفرینان تولیدی، صنعتی و کشاورزی).

این پژوهش، راهبردهای بهبود محیط کسب‌وکار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری برای نیل به بخشی از آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران را ارائه می‌کند.

بررسی محیط کسب‌وکار و اثرات آن بر سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد، باوجود تاکید در اسناد بالادستی و سیاست‌های ابلاغی مبنی بر بهبود محیط کسب‌وکار، ارزیابی‌های صورت پذیرفته توسط مراجع داخلی و بین‌المللی حاکی از نامناسب بودن محیط کسب‌وکار کشور بوده و رتبه شاخص‌های کسب‌وکار کشور در بین سایر کشورها براساس اعلام بانک جهانی بیانگر این موضوع می‌باشد. از طرفی عدم تحقق رشد اقتصادی پیش‌بینی شده در برنامه‌های توسعه‌ای موید نامناسب بودن میزان سرمایه‌گذاری به‌عنوان اصلی‌ترین عامل دستیابی به رشد کشور بوده که گزارشات بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه کشور به شرح ذیل این معضل را تصریح می‌کند. وضعیت کنونی کشور به‌گونه‌ای است که با وجود

ظرفیت‌های بالقوه و موقعیت ویژه راهبردی و نعمت‌های خدادادی تاکنون راهبردهای مناسب براساس مقتضیات حال و آینده جمهوری اسلامی ایران در جهت بهبود محیط کسب و کار وجود نداشته و یا قابلیت اجرا ندارند و این موضوع موجب وضعیت نامناسب تولید و اشتغال و کاهش انگیزه در مشارکت بخش خصوصی گردیده و نوعی عدم اطمینان در سرمایه‌گذاران خارجی و حتی منجر به فرار سرمایه‌گذاران داخلی شده است. همچنین وجود تهدیدها منطقه‌ای و تحریم‌های ظالمانه نیز به صورت کاملاً برنامه‌ریزی شده، در صدد ضربه به اقتصاد ملی و نهایتاً اقتدار ملی می‌باشد. در واقع با توجه به تغییرات و پیچیدگی‌های بالای محیط داخلی و خارجی و همچنین اثراتی که محیط نامناسب کسب و کار بر انگیزه سرمایه‌گذاری و نتایجی چون کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و نرخ تورم و... دارد، در صورت عدم تدوین راهبردهای بهبود محیط کسب و کار و اجرای صحیح آن در سطوح مختلف، عدم حصول نتایج مطلوب، متصور است. این نتایج نامطلوب ممکن است در بسیاری از ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... رخ داده و نه تنها کشور را دچار مشکلات زیادی کند، بلکه دستیابی به اهداف میان‌مدت را نیز دچار تردید خواهد کرد. پس با وجود تحریم‌های دشمنان ایران اسلامی، هجمه‌های بسیار بر علیه نظام و تهدیدهای موجود، قابل پیش‌بینی است که فقدان راهبردهای مناسب علمی و موثر در ابعاد مختلف با چالش‌های زیادی نظیر: ناکارآمدی نظام مالیاتی، نرخ مالیات، مقررات مالیاتی و نظام دریافت مالیات و عوارض و گستردگی جرایم اجتماعی، وجود فساد مالی و اقتصادی گسترده، توسعه اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد غیر رسمی، ناکارآمدی نهادهای مالی و پولی، ضعف شفافیت و رقابت در بازارهای اقتصادی (بازار نیروی کار، بازار تولیدات، بازارهای مالی و پولی)، ناکارآمدی نظام حقوقی و قضایی، ناکارآمدی قوانین و مقررات اقتصادی و تشریفات قانونی مربوط دشواری اخذ مجوزهای کسب و کار، مقررات پیچیده تجاری و گمرکی، عدم شفافیت حقوق مالکیت، ضعف نهادهای عمومی و حکمرانی خوب، همچنین چالش‌ها و موانع محیط اقتصاد کلان که شامل: ضعف و بی‌ثباتی در سیاستگذاری کلان اقتصادی، ضعف در انضباط مالی دولت، تورم و رکود فراگیر و تحریم اقتصادی را به دنبال دارد. بی‌شک همه این عوامل می‌تواند اقتصاد کشور را همواره با چالش مواجه کرده و آنرا

به ورطه سقوط بکشاند. و همچنین یکی دیگر از چالش‌ها و موانع زیرساخت‌های کشور از جمله زیرساخت‌های فیزیکی، اطلاعات و ارتباطات و علمی و فناوری است. براساس مسائل مطرح شده و پاسخگویی به آنها سوال اصلی این است که: راهبردهای بهبود محیط کسب‌وکار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری برای نیل به بخشی از آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

اقتصادمقاومتی

نام‌گذاری سال‌های اخیر توسط مقام معظم رهبری، قرابت بسیاری با مفهوم اقتصادمقاومتی دارد، به‌گونه‌ای که می‌توان تبلور مفهوم اقتصادمقاومتی را در شعارهای چند سال اخیر مشاهده کرد. برای مفهوم اقتصادمقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، جامع‌ترین و کامل‌ترین تعریف از اقتصادمقاومتی را خود رهبری در دیدار با دانشجویان ارائه داده‌اند: «اقتصادمقاومتی، اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند». ایشان در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصادمقاومتی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، در معرفی و تبیین نقش اساسی سیاست‌های کلی اقتصادمقاومتی می‌فرمایند: «مجموعه سیاست‌های اقتصادمقاومتی، در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه مسائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاست‌ها را به صورت یک چارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم؛ قابل تکمیل است؛ قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید و عملاً اقتصاد کشور را به حالت «انعطاف‌پذیری» می‌رساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون - که اشاره خواهم کرد- برطرف می‌کند. این الگو با تلاش و

همفکری افراد صاحب‌نظر و با بحث در مجمع تشخیص مصلحت و حضور رؤسای قوا و مسئولان تهیه شده؛ از کمک صاحب‌نظران اقتصادی برای تهیه این الگو به‌طور کامل استفاده شده؛ در واقع یکی از محسنات این الگو این است که مورد وفاق است؛ یعنی در مجمع تشخیص ورز پیدا کرده است و چکش‌کاری شده؛ جوانب آن دیده شده؛ رؤسای قوا در مجمع تشخیص حضور دارند؛ مسئولان گوناگون هم در آنجا هستند؛ بحث کردند؛ کار ملاحظه‌شده و دقت‌شده و مستحکم‌شده‌ای است». ایشان در ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را اصلی‌ترین شاخصه اقتصاد مقاومتی دانسته‌اند؛ اقتصادی که با نگاه تولیدمحور، به پیشبرد اهداف ملی و حفظ دستاوردها می‌انجامد (مقام‌معظم‌رهبری، حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴).

سرمایه‌گذاری

اقتصاددانان کلاسیک و کینز، معمولاً فرض را بر این می‌گذاشتند که سرمایه‌گذاری، تابعی از نرخ بهره است. اما از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم اقتصاددانان به‌طور فزاینده‌ای اهمیت نرخ بهره را به‌عنوان یک تعیین‌کننده سرمایه‌داری مورد تردید قرار دادند. به‌ویژه، مطالعات تجربی اولیه حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره تقریباً غیر حسّاس است. در نتیجه‌ی این مطالعات، تئوری‌های مختلف سرمایه‌گذاری ارائه شد (فرجی و یوسف، ۱۳۷۵).

نظریه شتاب ساده سرمایه‌گذاری

نظریه شتاب ساده در سال ۱۹۱۷ توسط کلارک مطرح شد. کلارک برای بیان نظریه خود فرض‌هایی را در نظر گرفت: نسبت سرمایه به تولید مقدار ثابتی است. بنگاه‌ها سرمایه راكد و بیکار در اختیار ندارند. سرمایه موردنیاز برای تولید بلافاصله تهیه می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر اگر برای تولید کالا نیاز به افزایش موجودی سرمایه‌ای باشد، فراهم ساختن کالاهای سرمایه‌ای بدون نیاز به زمان و بدون افزایش قیمت، میسر است.

این نظریه بیان می‌دارد که سرمایه‌گذاری خالص، به سطح تغییرات تقاضای کل (سطح تغییرات درآمد) و سرمایه‌گذاری جایگزینی به موجودی سرمایه دوره‌های قبل بستگی دارد (رحمانی، تیمور، ۱۳۸۵).

نظریه شتاب انعطاف‌پذیری که گاهی اوقات به نظریه تعدیل جزئی نامیده می‌شود، همانند نظریه شتاب است با این تفاوت که بنگاه‌ها به محض پی بردن و اطلاع از موجودی بهینه سرمایه به آن دست نمی‌یابند بلکه مدت زمانی طول می‌کشد تا موجودی واقعی سرمایه به سمت حد مطلوب آن تغییر کند و تعدیل صورت گیرد. با این فرض می‌توان یک تفاوت اساسی بین نظریه شتاب ساده و انعطاف‌پذیر قائل شد. در نظریه شتاب ساده، سرمایه‌گذاری خالص تابعی مستقیم و متناسب از تغییرات تقاضای کل است اما در نظریه شتاب انعطاف‌پذیر یا مدل تعدیل جزئی، سرمایه‌گذاری خالص تابعی مستقیم از سطح تقاضای کل است نه تغییرات آن. از طرف دیگر در هر دو مدل سرمایه‌گذاری جایگزینی تابعی از موجودی سرمایه‌های دوره قبل خواهد بود (رحمانی، ۱۳۸۵).

نظریه نئو کلاسیک سرمایه‌گذاری

این نظریه توسط یورگنسون در دهه ۱۹۶۰ مطرح شد. ایشان اولاً به دنبال آن بود که رفتار سرمایه‌گذاری را با استفاده از نظریه بهینه‌سازی متعارف و بر پایه‌های اقتصاد خرد توضیح دهد و ثانياً نظریه کامل‌تری نسبت به نظریه‌ها شتاب ساده و نظریه کینز ارائه دهد.

بر اساس نظریه نئو کلاسیک سرمایه‌گذاری، تعیین موجودی مطلوب سرمایه نیاز به در نظر گرفتن فروض غیر واقعی مانند ثابت بودن نسبت سرمایه به تولید نیست؛ بلکه موجودی مطلوب سرمایه با استفاده از فرمول بهینه‌سازی تولید در اقتصاد قابل استخراج است (رحمانی، ۱۳۸۵).

مکتب نهاد گرایی

پس از گذشت بیش از یک قرن از ظهور مکتب اقتصادی کلاسیک‌ها و اصلاح نکات ضعف این مکتب که به پیدایش مکتب اقتصادی نئو کلاسیک‌ها در اواسط قرن نوزدهم میلادی منتهی شد و تطبیق شرایط اقتصادی سرمایه‌داری جوامع پیشرفته به ویژه آمریکا با اقتصاد نئو کلاسیکی، این جوامع با رشد اقتصادی بسیاری مواجه شدند. در این دوران که همزمان با پایان قرن نوزدهم میلادی تحولات اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد نئو کلاسیک موجب افزایش رشد اقتصادی شده و با توجه به افزایش تولید و نبود نظام مناسب توزیع عادلانه درآمدها و توجه ناکافی به اقتصاد ارزشی موجب افزایش فاصله طبقاتی شده بود، علاوه بر مکتب سوسیالیسم، مکتب اقتصادی دیگری به‌عنوان مکتب اقتصادی نهادگرایی، دیدگاه‌های انتقادی ملایم تری نسبت به مکتب اقتصادی نئو کلاسیک‌ها داشت. مهم‌ترین انتقادهای این مکتب به اقتصاد نئو کلاسیک به آثار منفی به ویژه افزایش فاصله طبقاتی حاصل از توزیع نامناسب درآمدها همراه با افزایش تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی معطوف بود. به‌عبارت‌دیگر از دیدگاه این گروه در شرایطی که طی آن تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا کند و موجب افزایش رشد اقتصادی جامعه شود، عادلانه و منطقی نیست که قشر پایین جامعه به ویژه طبقه کارگری که از ارکان اصلی فرآیند تولید است سهم عادلانه خود را از این افزایش درآمد دریافت نکند و بنابراین از این دیدگاه دخالت نداشتن دولت در نظام اقتصادی منطقی و مورد قبول نیست.

درچنین شرایطی برای دستیابی به اهداف ارزشی و عدالت طلبانه توأم با رشد اقتصادی، علاوه بر دیدگاه سوسیالیستی که در واقع به نوعی در برابر مکتب نئوکلاسیکی و سرمایه‌داری بوده است و در نهایت می‌توانست موجب از بین رفتن نتایج مثبت مکتب سرمایه‌داری و نئوکلاسیکی شود دیدگاه متعادل‌تر و اصلاح‌طلبان به نام مکتب نهادی پدید آمد (دهقان و محنت فر، ۱۳۸۵).

مکتب اقتصادی نهادی - انتقاد به نئو کلاسیک‌ها

همزمان با رشد قابل توجه اقتصاد سرمایه‌داری آمریکا در پایان قرن نوزدهم میلادی که براساس نظریه نئوکلاسیک بنا شده بود، سطح درآمد و در نتیجه رفاه عمومی طبقات متوسط و بالای جامعه، افزایش یافته و در نهایت موجب افزایش درخواستهای طبقات کم درآمد و کارگری جامعه شد. تلاش‌های طبقات کم درآمد و کارگری جامعه برای دستیابی به سطح درآمد و رفاه بیشتر با ناکامی مواجه شد. موفق نبودن طبقه کارگری جامعه در دستیابی به سهم کامل خود از فرآیند تولید و افزایش درآمد ملی و در نهایت رفاه عمومی جامعه، به دلیل دخالت نداشتن دولت در اقتصاد و نبود نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق طبقات کم درآمد جامعه بود. این پیش زمینه و شرایط حاکم موجب توجه ویژه عده‌ای از اقتصاددانان به ضرورت توسعه سازمان و نهادهای اجتماعی برای دستیابی به اهداف ارزشی و عدالت‌طلبانه اقتصادی شد. برخلاف اقتصاد نئو کلاسیکی بازار که به موضوعاتی مانند تخصیص بهینه منابع، تعیین سطح درآمد، تعیین قیمت و نظایر آن توجه دارد، مکتب اقتصاد نهادی معتقد است که نظام بازار به تنهایی قادر به ایجاد تعادل و به ویژه توزیع عادلانه درآمد نیست و تعادلی که معرفی می‌کند بیش از یک نظریه علمی نبوده است و برای تحقق این تعادل در جامعه باید به مباحث ارزشی اقتصاد نیز توجه شود، بنابراین باید به اولویت موضوع سازمان و کنترل نظام اقتصادی؛ یعنی ساختار قدرت آن، توجه ویژه‌ای کرد. درحالی که اقتصاددانان متعارف بسیار تمایل دارند که بازار را به‌عنوان کل مجموعه اقتصاد تلقی کنند، اقتصاددانان نهادی، بازار را به‌عنوان نهادی که با دیگر مجموعه‌های نهادی در جامعه تعامل دارد، مطرح می‌کنند. به‌طور خلاصه، اقتصاد بیش از سازو کار بازار است. اقتصاد، نهادهایی است که ساختار را شکل می‌دهند و از طریق آن عمل می‌کنند یا مجرای عملیات بازار هستند (دهقان و محنت فر، ۱۳۸۵).

نئونهادیون

نسل دوم اقتصاددانان مکتب نهادگرایی به نئونهادیون معروف هستند. تعدادی از معروف‌ترین اقتصاددانان این نسل که دوره فعالیت علمی آنها بلافاصله پس از نسل اول

بنیانگذاران مکتب نهادی) یعنی پس از جنگ جهانی دوم است، عبارتند از: جان کنت گالبرایت، گونامیردال، کلارنس آیرز و گرهارد کولم. این گروه از اقتصاددانان به تاثیرات نهادهای دولتی بر فرآیند سیاستگذاران توجه ویژه ای داشتند. از موارد مهم توجه مکتب نئونهادی مطالعه سیاست‌هایی است که از ایده‌های جامعه نهادی و سازمانی نشئت گرفته است و شناخت فزاینده نیاز به تحلیل‌های تاریخی روند تکاملی و جزیی نهادها دارد. در مورد مکتب نئونهادی به دو موضوع بسیار مهم باید توجه کرد. اول اینکه نهادها به‌عنوان بخش مرکزی و اصلی نظریه‌های سیاسی مطرح هستند و دیگر اینکه باید به نهادها به‌عنوان سازنده و شکل دهنده سیاست‌ها توجه کرد (دهقان و محنت فر، ۱۳۸۵).

محیط کسب و کار

از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود محیط کسب و کار موضوع کانونی محافل نظریه پردازی و سیاست‌گذاری اقتصاد بوده است. این تغییر در پارادایم سیاست‌گذاری، محصول تحولات اقتصادی از یک سو و طرح نظریه‌ها جدید اقتصادی از سوی دیگر است (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷). تاملی در توجه برخی کشورها به این مفاهیم نشان می‌دهد که چگونه این رویکردها مبنای سیاست‌گذاری در این کشورها شده است. به‌عنوان نمونه در دهه ۱۹۸۰ کشور چین و تا حدودی ویتنام، مجارستان و لهستان این رویکرد را به‌طور جدی در دستور کار خود قرار دادند.

از جمله مهم‌ترین نظریه‌های جدیدی که انقلاب بزرگی در اقتصاد کشورهای توسعه نیافته به پا کرد، نظریه هرناندو دسوتو اقتصاددان پرویی بود که در سال ۱۹۸۶ و ۲۰۰۰ در قالب دو کتاب «راه دیگر» و «راز سرمایه» بهبود فضای کسب و کار را برای راه‌اندازی فعالیت‌ها حتی با تکیه بر سرمایه‌های کوچک مورد توجه جدی قرار داد. دریافتن تاریخچه و ریشه شکل‌گیری مفهوم محیط کسب و کار و طرح راهکار بهبود کسب و کار دو روند باید بررسی شوند:

اول) نظریه‌ها و مکاتبی که نحوه رشد تولید و افزایش سرمایه را بررسی کردند و به عوامل محیطی بنگاه‌ها نزدیک شدند.

دوم) نظریه‌ها و مکاتبی که به ساماندهی موانع محیطی رونق فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها پرداختند و راهکار بهبود محیط کسب و کار را سامان دادند (اتاق بازرگانی و صنایع معادن تهران، ۱۳۹۰).

«ارزیابی فضای کسب و کار» از طریق ساختن و اندازه‌گیری مجموعه شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد که موقعیت و شرایط پیش‌رو برای ایجاد و توسعه بخش خصوصی را مورد بررسی قرار می‌دهد و یک نظام اندازه‌گیری عوامل کلان اقتصادی کارآمد را در ابعاد مختلف نشان می‌دهد. پروژه انجام تجارت یا کسب و کار دو نوع داده را در نظر می‌گیرد، گونه اول مطالعه قوانین و مقررات حاکم بر محیط اقتصادی کشور که در گزارش‌های بانک جهانی منتشر می‌شود و گونه دیگر شاخص‌های کار و زمان برای پشت سر گذاردن مراحل مختلف مورد نیاز برای ایجاد و تداوم فعالیت اقتصادی را بررسی می‌کند که در سنجش و رتبه‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این شاخص‌ها اعم از هزینه‌های زمانی و پولی از گزارش‌های رسمی ادارات مربوط استخراج می‌شوند تا امکان بررسی و ارزیابی آنان فراهم گردد (دستو، ۱۳۸۵).

بانک جهانی برای بررسی و ارزیابی فضای کسب و کار در کشورهای مختلف از ده شاخص اصلی استفاده می‌کند که هر یک از آنان دارای چند شاخص فرعی می‌باشند. با جمع‌بندی گزارش‌ها و اطلاعات مربوط به این شاخص‌ها وضعیت فضای اقتصادی کشور را نمره داده و سپس به رتبه‌بندی آنها می‌پردازد. این ده شاخص به شرح زیر می‌باشند: ۱- شاخص شروع کسب و کار، ۲- اخذ مجوزها، ۳- استخدام و اخراج نیروی کار، ۴- ثبت مالکیت، ۵- اخذ اعتبار، ۶- حمایت از سرمایه‌گذاران (سهامداران جزء)، ۷- پرداخت مالیات، ۸- تجارت فرامرزی، ۹- انحلال یک فعالیت، ۱۰- الزام آور بودن قراردادهای. در ادامه جایگاه کشور در خصوص شاخص کل محیط کسب و کار ایران براساس گزارشات اخیر بانک جهانی به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد.

جدول شماره ۱. جایگاه کشور در شاخص کل محیط کسب و کار در دنیا (بانک جهانی، ۲۰۱۸-۲۰۱۶)

سال ۲۰۱۹	سال ۲۰۱۸	سال ۲۰۱۷	سال ۲۰۱۶	
۱۲۸	۱۲۴	۱۲۰	۱۱۷	رتبه
۵۷	۵۶,۵	۵۷,۳	۵۷,۱	امتیاز

بهبود محیط کسب و کار در اسناد بالادستی

منویات امام راحل^(ره) و مقام معظم رهبری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، برنامه‌های توسعه، سیاست‌های کلی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و قانون بودجه سالانه کشور، از مهم‌ترین اسناد بالادستی مشترک در همه حوزه‌ها به‌شمار می‌رود. در این میان، علاوه بر لزوم درک مشترک تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران از اسناد بالادستی، برای تدوین مناسب و کارآمد برنامه‌های راهبردی و مدیریت هزینه‌ها و جلوگیری از موازی‌کاری‌ها در مرحله پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی، شناسایی ارتباط متقابل و جنبه‌های هم‌پیوندی اسناد بالادستی با یکدیگر، از الزامات اجرای موفقیت‌آمیز آنها قلمداد می‌شود.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق براساس دستاورد یا نتیجه تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی - توسعه‌ای است و از حیث رویکرد روش‌شناسی، از رویکرد آمیخته اکتشافی (ترکیبی از رویکردهای کیفی و کمی) تبعیت می‌کند. بدین صورت که محقق ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی را به کار می‌گیرد.

در رویکرد کیفی از روش‌های مرور نظام‌مند ادبیات، اسنادی، تحلیل محتوای کیفی و روش ترکیبی استفاده کرده و جهت اعتبار سنجی عوامل راهبردی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری) از روش پیمایشی خبرگی بهره گرفته است. با روش اسنادی و تحلیل محتوای تلخیصی نسبت به بررسی اسناد بالادستی و مطالعه تطبیقی اقدام کرده است. به علاوه با روش تحلیل محتوای کیفی (تلخیصی)

دیدگاه خبرگان پیرامون عوامل راهبردی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری) را احصاء کرده است. همچنین در رویکرد کمی با استفاده از روش پیمایشی خبرگی جهت اعتبار سنجی عوامل راهبردی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری) و نیز تدوین راهبردهای مربوط استفاده کرده است.

تحقیق دارای دو نوع جامعه آماری است: جامعه آماری کیفی و جامعه آماری کمی. جامعه آماری کیفی این تحقیق مشتمل بر کلیه اسناد و مدارک بالادستی مرتبط، نظیر سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و تدابیر مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) در این خصوص می باشد. به منظور اعتبار سنجی عوامل راهبردی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری) و نیز تدوین، ارائه و اولویت بندی راهبردهای مربوط از نقطه نظرات ۳۰ نفر از خبرگان با استفاده روش خبرگی استفاده شد در جامعه کیفی، روش نمونه گیری به صورت هدفمند و روش نمونه گیری در جامعه کمی به صورت گلوله برفی و هدفمند می باشد.

در جامعه کیفی، حجم نمونه، اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق تا اشباع نظری نمونه گیری شده است. داده های کتابخانه ای از طریق مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه ای و متون علمی و مستند مرتبط با موضوع تحقیق و نظریه های مربوط از طریق کتب، گزارشات رسمی و سایت های اینترنتی و سایر اسناد معتبر گردآوری شده است. ابزار جمع آوری این داده ها و اطلاعات فیش برداری است. همچنین از کتاب های تخصصی، اسناد و مدارک، مقاله های علمی - پژوهشی، بایگانی سازمان های معتبر و وبگاه های منتشره نیز برای گردآوری داده ها و اطلاعات این تحقیق، بهره برداری شده است. در روش میدانی با مصاحبه ساختار یافته و نظر سنجی از خبرگان و صاحب نظران حوزه تحقیق و نیز پرسشنامه های مختلف جمع آوری شد. جهت روایی اسناد از منابع چندگانه و مختلف (نظیر گفتمان رهبری در حوزه اقتصاد مقاومتی، اسناد بالادستی نظیر سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی و نیز مطالعه تطبیقی مرتبط با عوامل راهبردی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری)، ایجاد زنجیره

داده‌های اطلاعاتی در تحقیق، بهره‌گیری از نظر متخصصین و خبرگان (در تعیین عوامل راهبردی تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری) و نظریه‌های علمی (بهبود فضای کسب و کار و سرمایه گذاری) استفاده شد.

همچنین، جهت بالا بردن پایایی (قابلیت اعتماد) اسناد و مدارک نسبت به تشکیل پایگاه داده از اسناد و مدارک اقدام گردید. جهت تعیین نقاط قوت و ضعف مرتبط با بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری)، از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و آمار توصیفی استفاده شده است. جهت ارزیابی محیط داخلی مؤثر بر ارتقای بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری) از تکنیک ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) و جهت ارزیابی محیط خارجی مؤثر بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری)، از تکنیک ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) استفاده شد. جهت تدوین راهبردهای تأثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار (موثر بر توسعه سرمایه گذاری) از روش‌های کیفی نظیر ماتریس نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT)، تحلیل خبرگی استفاده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

جهت بررسی و ارزیابی محیط خارجی مرتبط با بهبود فضای کسب و کار موثر بر توسعه سرمایه گذاری از ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) استفاده شد که نتایج آن به شرح جدول شماره ۲ می‌باشد.

جدول شماره ۲. عوامل خارجی (EFE) مرتبط با بهبود فضای کسب و کار موثر بر توسعه

سرمایه گذاری

امتیاز	رتبه	ضریب اهمیت	فرصت‌ها
۰.۳۵۸۱۷۶	۳.۳۶	۰.۱۰۶۶	امنیت کشور در منطقه
۰.۳۳۷۳۱۲	۳.۳۲	۰.۱۰۱۶	بزرگی بازار داخلی و فراوانی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف

۰.۳۳۴۶۵۶	۳.۳۶	۰.۰۹۹۶	موقعیت ژئوپلیتیکی و دسترسی به بازار کشورهای منطقه و حاشیه (با همسایگی ۱۵ کشور با جمعیت حدود ۳۰۰ - ۴۰۰ میلیون نفر)
امتیاز	رتبه	ضریب اهمیت	تهدیدها
۰.۱۳۱۰۶۴	۱.۲۹	۰.۱۰۱۶	تحریم‌های بین‌المللی و عدم تمایل نظام بانکی بین‌المللی بر تعامل با نظام بانکی داخلی
۰.۱۳۶۸۱۶	۱.۳۶	۰.۱۰۰۶	ضعف در فرهنگ عمومی کشور نظیر رشد فرهنگ مصرف‌گرایی، ارجحیت منافع فردی و حزبی بر منافع ملی و...
۰.۱۳۲۷۹۲	۱.۳۲	۰.۱۰۰۶	اقتصاد دولتی و وابستگی آن به نفت و فروش مواد اولیه معدنی و در نتیجه عدم تعهد و انگیزه کافی برای بهبود فضای کسب‌وکار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری
۰.۱۳۰۱۵۲	۱.۳۲	۰.۰۹۸۶	وجود رانت و فساد در حوزه‌های مختلف نظام اداری کشور
۰.۱۲۸۸۳۲	۱.۳۲	۰.۰۹۷۶	مشکلات کلان اقتصادی (نظیر تورم، بالا بودن نرخ ارز، رکود فراگیر و... و در نتیجه کاهش سطح درآمدها و قدرت خرید مردم
۰.۱۲۰۷۵	۱.۲۵	۰.۰۹۶۶	امنیته بودن فضای اقتصادی کشور و بالا بودن خطر سیاسی کشور در گزارش‌های جهانی و در نتیجه پائین بودن درجه رقابت‌پذیری اقتصاد ملی
۰.۱۳۸۱۳۸	۱.۴۳	۰.۰۹۶۶	مداخله دولت در کلیه امور و عدم مشارکت دادن بخش خصوصی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های کلان
۱.۹۴۸۶۸۸	جمع امتیاز		

جهت بررسی و ارزیابی محیط داخلی موثر بر بهبود فضای کسب‌وکار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری از ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) استفاده گردید که نتایج آن به شرح شماره ۳ می‌باشد.

جدول شماره ۳. عوامل داخلی (IFE) مرتبط با بهبود فضای کسب و کار موثر بر توسعه

سرمایه گذاری

امتیاز	رتبه	ضریب اهمیت	قوت‌ها
۰.۳۳۵۱۲۴	۳.۲۱	۰.۱۰۴۴	فراوانی جمعیت جوان و تحصیل کرده
۰.۳۶۴۸۵۴	۳.۵۷	۰.۱۰۲۲	منابع ارزان و فراوان (کمیت منابع تولید در کشور)
۰.۳۲۲۴۲	۳.۲۹	۰.۰۹۸	کیفیت مناسب زیرساخت‌های علمی و فناوری
۰.۳۱۸۵	۳.۲۵	۰.۰۹۸	رویکرد مثبت نسبت به اصلاحات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در سطح حاکمیت
امتیاز	رتبه	ضریب اهمیت	ضعف‌ها
۰.۱۲۱۵۴	۱.۱۸	۰.۱۰۳	ضعف در نظامات مختلف تاثیرگذار بر بهبود فضای کسب و کار موثر بر سرمایه‌گذاری نظیر نظامات حقوقی (از قبیل تعدد و بی ثباتی مقررات)، گمرکی، مالیاتی، بیمه، بانکی، اطلاعاتی و...
۰.۱۳۲۱۳۲	۱.۳۲	۰.۱۰۰۱	نبود نظام انگیزشی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاری و ضعف در نظامات و نهادهای ترویج تجارت و صنعت
۰.۱۱۹۷۹	۱.۲۱	۰.۰۹۹	ضعف نظام برنامه‌ریزی اقتصادی کشور (نظیر عدم برنامه‌ریزی بلندمدت، ساختار بودجه بندی کشور، سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی، غلبه سیاست بر اقتصاد، عدم مشارکت بخش خصوصی و...)
۰.۱۱۵۶۴	۱.۱۸	۰.۰۹۸	کیفیت نه چندان مناسب زیرساخت‌های فیزیکی نظیر نظام ارتباطی، راه، بندر و فرودگاه به خصوص در مناطق آزاد
۰.۱۱۰۵۸	۱.۱۴	۰.۰۹۷	ضعف در نظام اداری و مشکلات ساختاری کشور (تناسب اندازه دولت و بخش خصوصی و تعاونی، عدم متولی برای سرمایه‌گذاری داخلی و...) و عدم هماهنگی در سطح کلان و دستگاه‌های اجرایی

۰.۱۱۳۲۸	۱.۱۸	۰.۰۹۶	ضعف در نظام مدیریتی کشور نظیر عدم شایسته‌سالاری و سپردن کارها به مدیران توانمند و آینده نگر، عدم شجاعت کافی و جرأت لازم در تصمیم‌گیری و قبول خطر (خطر) در نظام‌های تصمیم‌گیری کشور، عدم آموزش کافی مدیران، عدم بهره‌گیری از تجارب موفق دنیا...
۲.۰۵۳۸۶	جمع امتیاز		

برای ارزیابی موقعیت راهبردی بهبود فضای کسب‌وکار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری از ماتریس موقعیت راهبردی چهارخانه‌ای (IE) استفاده گردید که وضعیت موجود در ربع تدافعی ارزیابی گردید. جهت تدوین و احصاء راهبردهای بهبود فضای کسب‌وکار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری از ماتریس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها (SWOT) استفاده شد. براساس این ماتریس حدود ۹۰ راهبرد استخراج گردید که تعدادی از آنها در جدول شماره ۴ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۴. تدوین راهبردهای بهبود فضای کسب‌وکار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری ماتریس

SWOT

ماتریس SWOT	قوت‌ها (S)	ضعف‌ها (W)
فرصت‌ها (O)	راهبردهای SO:	راهبردهای WO:
	۱. استفاده از ظرفیت برون مرزی صدا و سیما در معرفی برندها و پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری کشور؛	۱. حل معضلات سیاسی با بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان جوان؛
	۲. تمرکز بر جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی با ایجاد مشوق‌هایی نظیر اقامت برای سرمایه‌گذاران به‌ویژه مسلمانان شیعه؛	۲. جراحی در خصوص بخش‌های تخصصی و خصوصی‌سازی به معنای واقعی؛
	۳. توسعه و تقویت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور؛	۳. تأمین امنیت شغلی و سرمایه؛
	۴. بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی جهت تقویت و گسترش همکاری‌های دوجانبه	۴. تلاش به‌منظور ایجاد نشاط و امید دوباره در بخش خصوصی برای مشارکت در توسعه اقتصادی کشور؛
		۵. بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و منابع مدیریت بین‌المللی؛
	۶. افزایش دانش عمومی و فرهنگ‌سازی.	

و چندجانبه.		
راهبردهای ST:	راهبردهای WT:	تهیدها (T)
۱. بازننگری و اصلاح قوانین متضاد و تدوین قوانین همسو و تسهیل کننده کسب و کار؛	۱. تقویت سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی در حوزه های مختلف بین المللی به منظور رفع و دفع تهدید تحریم های بین المللی؛	
۲. کوچک سازی دولت به طور برنامه ریزی شده با تغییر در رویکرد تنظیم بودجه؛	۲. توسعه و گسترش زیرساخت های توسعه کسب و کار در کشور با بهره گیری از ظرفیت های ملی و بین المللی؛	
۳. توانمندسازی بخش خصوصی و فعالان اقتصادی برای اداره کسب و کار؛	۳. هماهنگ سازی سیاست های پولی، بانکی، اقتصادی، کار و... با این موضوع؛	
۴. تدوین نقشه راه توسعه سرمایه گذاری و تعیین اولویت های سرمایه گذاری بر اساس مطالعات کارشناسی و بهره گیری از تجربیات جهانی.	۴. بایات سازی محیط اقتصاد کلان و تلاش در جهت مهار تورم و تغییرات نرخ ارز.	

پس از احصاء راهبردهای بهبود فضای کسب و کار موثر بر توسعه سرمایه گذاری متناسب با موقعیت راهبردی و براساس سه معیار مقبولیت، تناسب با سیاست های اقتصاد مقاومتی و امکان پذیری در اجرا، راهبردها اولویت بندی گردیدند که نتایج آن به شرح جدول زیر می باشد.

جدول شماره ۵. اولویت بندی راهبردهای بهبود فضای کسب و کار موثر بر توسعه سرمایه گذاری

اولویت	امتیاز	راهبردهای بهبود فضای کسب و کار موثر بر توسعه سرمایه گذاری
اول	۲.۹۲	اصلاح ساختار اداری متناسب با تغییرات محیط کسب و کار در راستای بهبود فضای کسب و کار و رفع فساد و رانت
دوم	۲.۹	ظرفیت سازی و فرهنگ سازی به منظور تربیت عناصر ملی کارآمد و مبتکر و متعهد در حوزه های تجاری و سرمایه گذاری از طریق تقویت و ایجاد مراکز و نهادهای مستقل آموزشی، پژوهشی و مطالعاتی
سوم	۲.۸۷	تدوین بسته های حمایتی و تشویقی برای سرمایه گذاران نظیر معافیتها، رفع موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای، تسهیل ورود و خروج سرمایه و سرمایه گذار

		و ...
چهارم	۲۸	توسعه و گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق ایجاد شرکت‌های خدمات پشتیبانی از آنها در جهت شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی
پنجم	۲۷۷	تقویت و توسعه بازار سرمایه در راستای ایفای نقش در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی و تصویب قوانین مورد نیاز آن
ششم	۲۷۵	تقویت جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی FDI هدفمند و در راستای زنجیره ارزش جهانی و اعطای مشوق‌های لازم و با بهره‌گیری از ظرفیت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور
هفتم	۲۷۳	بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی از طریق رایزنان و هیأت‌های تجاری در راستای تقویت سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی در حوزه‌های مختلف بین‌المللی به‌منظور کاهش، خنثی‌سازی و دفع تهدیدها ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و توسعه روابط تجاری
هشتم	۲۷	بازنگری و اصلاح نظامات مختلف تاثیرگذار بر بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری نظیر نظامات تجاری، حقوقی، گمرکی، مالیاتی، بیمه، بانکی، اطلاعاتی و ...
نهم	۲۶۷	بازتعریف حقوقی بخش‌های اقتصادی کشور با محوریت بخش‌های خصوصی واقعی و تعاونی، توانمندسازی و بهره‌گیری از آنها در تصمیم‌گیری اقتصادی به‌منظور تسهیل فضای کسب‌وکار و توسعه سرمایه‌گذاری

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر اساس نتایج حاصله، بهبود محیط کسب‌وکار با ایجاد شرایط مناسب برای توسعه سرمایه‌گذاری و زمینه‌سازی برای ایجاد و گسترش هرچه بیشتر فعالیت‌های بخش خصوصی در افزایش سهم آن در کل اقتصاد و رونق تولید و اشتغال اهمیت فوق‌العاده‌ای

در تحقق اهداف کلان کشور ایفاء می‌کند. بنابراین تدوین و ارائه راهبردهای صحیح در این زمینه نه تنها گامی مثبت در جهت تقویت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و ارتقاء سطح سرمایه‌گذاری، اشتغال و تولید داخلی به‌شمار می‌رود، بلکه به‌طور قطع عاملی مهم برای استقبال سرمایه‌گذاران خارجی و ارتقاء تسهیل جریان ورود فناوری به کشور به‌شمار می‌آید. بنابراین در این تحقیق، با انجام مطالعات محیط‌شناسی و تحلیل محیط ملی فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها شناسایی شده و طی چند مرحله از خبرگان راهبردی کشور نظرخواهی شد. سپس با کالیبره‌سازی عوامل راهبردی فهرستی از مهم‌ترین عوامل به‌عنوان داده‌های ورودی فرایند تدوین راهبرد انتخاب شد. بعد از آن اقدام به ارزیابی موقعیت بهبود فضای کسب و کار موثر بر توسعه سرمایه‌گذاری کشور گردید که براساس نتایج حاصله وضعیت فعلی یک حالت تدافعی بوده که نشانگر فزونی یافتن تهدیدها محیطی بر فرصت‌ها و ضعف‌های ملی بر قوت‌ها است؛ براین اساس جهت عبور از این وضعیت ۹ راهبرد پیشنهاد شد و متناسب با هر کدام از این راهبردها، راهکارهای اجرایی پیشنهاد گردید:

۱. اصلاح ساختار اداری متناسب با تغییرات محیط کسب و کار در راستای بهبود فضای کسب و کار و رفع فساد و رانت:

- توسعه و گسترش دولت الکترونیک به‌منظور شفافیت و مقابله با فساد اداری؛
- کاستن از بوروکراسی‌های عریض و طویل اداری و دولتی از طریق بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات نظیر پنجره واحد؛
- ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی از طریق اسناد بالادستی، آموزش و سمینارهای مشترک؛
- کوچک‌سازی دولت به‌طور برنامه‌ریزی شده با تغییر در رویکرد تنظیم بودجه؛
- اصلاح ساختار بودجه‌ای، آموزش و تشکیلات‌سازمانی؛
- حذف دخالت‌های دولت در بخش تخصصی و ارجاع به صنف تخصصی (تشکل).

۲. ظرفیت‌سازی و فرهنگ‌سازی به‌منظور تربیت عناصر ملی کارآمد و مبتکر و متعهد در حوزه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری از طریق تقویت و ایجاد مراکز و نهادهای مستقل آموزشی، پژوهشی و مطالعاتی:

- آموزش مدیران و کارشناسان با دانش‌های مورد نیاز کسب‌وکار نظیر قوانین مالیاتی، بیمه، سرمایه‌گذاری، تجارت الکترونیک و...؛
- توانمندسازی و پرورش مدیران اقتصادی کشور به‌ویژه حوزه سرمایه‌گذاری و انتصاب آنان در دستگاه‌های حاکمیتی؛
- تقویت و ایجاد مراکز و نهادهای مستقل آموزشی، پژوهشی و مطالعاتی در حوزه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری.

۳. تدوین بسته‌های حمایتی و تشویقی برای سرمایه‌گذاران نظیر معافیت‌ها، رفع موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، تسهیل ورود و خروج سرمایه و سرمایه‌گذار:

- ایفای به موقع تعهدات دولتی در مشارکت با بخش خصوصی؛
- اعطای معافیت مالیاتی، خرید تضمینی، مابه‌التفاوت عوارض و نرخ ارز به سرمایه‌گذاران؛
- ایجاد رقابت صحیح بین شرکت‌های دولتی و خصوصی در راستای تقویت سرمایه‌گذاری و افزایش تولید؛
- ایجاد شفافیت در معاملات دولتی (مناقصه‌ها و مزایده‌ها) و اصلاح نظام تعرفه‌ای؛
- پوشش خطرهای تجاری سرمایه‌گذاران و صادرکنندگان در بازارهای هدف از طریق تقویت صندوق ضمانت صادرات؛
- صدور پاسپورت دیپلماتیک برای تجار؛
- حمایت مادی و معنوی از حضور سرمایه‌گذاران در هیأت‌های تجاری و نمایشگاه‌های بین‌المللی؛
- تدوین‌ساز و کارهای شفاف و سریع رسیدگی به مشکلات حقوقی صادرکنندگان.

۴. توسعه و گسترش شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق ایجاد شرکت‌های خدمات پشتیبانی از آنها در جهت شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی:

- توسعه و گسترش زیرساخت‌های توسعه کسب و کار در کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی و بین‌المللی؛
- ایجاد سازمان‌های تخصصی سرمایه‌گذاری و توسعه‌ای در حوزه‌های جدید نظیر حوزه فناوری؛
- ایجاد شرکت‌های خدمات پشتیبانی از آنها در جهت شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی؛
- تسهیل تامین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق پیش‌بینی منابعی مخاطره‌پذیر از منابعی نظیر صندوق توسعه ملی و تشویق صندوق‌های سرمایه‌گذار خصوصی؛
- ایجاد شرکت‌های خدمات پشتیبانی از آنها در جهت شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی؛
- ایجاد مراکز رشد یا پارک‌های علم و فناوری در دانشگاه‌ها؛
- معرفی ظرفیت‌های جذب سرمایه‌گذاری در صنایع دانش‌بنیان.

۵. تقویت و توسعه بازار سرمایه در راستای ایفای نقش در تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی و تصویب قوانین مورد نیاز آن:

- برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های مناسب برای توسعه بدهی به‌منظور تأمین مالی واحدهای تولیدی بزرگ؛
- تشکیل صندوق خطرپذیر
- افزایش شفافیت در بازار بورس و کاهش سهم بخش دولتی از معاملات؛
- زمینه‌سازی برای حضور سرمایه خارجی در بازار سرمایه کشور.

۶. تقویت جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی FDI هدفمند و در راستای زنجیره ارزش جهانی و اعطای مشوق‌های لازم و با بهره‌گیری از ظرفیت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور:

- هدایت سرمایه‌گذاران خارجی برای سرمایه‌گذاری مشترک براساس اولویت‌های تعیین شده و انتقال فناوری‌های مناسب با ظرفیت کشور؛
 - حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی جهت جلوگیری از خروج از گردونه رقابت؛
 - حفظ حقوق مالکیت و جلوگیری از تعرض به آن و تضمین الزام آور بودن قراردادها؛
 - تدوین نقشه راه کشور در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مبتنی بر منافع ملی و اسناد بالادستی؛
 - معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری مولد در کشور به شرکای خارجی از طریق ظرفیت بین‌المللی صدا و سیما؛
 - اعطای مشوق‌های لازم و با بهره‌گیری از ظرفیت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور.
۷. بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی از طریق رایزنان و هیأت‌های تجاری در راستای تقویت سیاست تنش زدایی و اعتمادسازی در حوزه‌های مختلف بین‌المللی به منظور کاهش، خنثی‌سازی و دفع تهدیدها ناشی از تحریم‌های بین‌المللی و توسعه روابط تجاری:
- توسعه ارتباطات خارجی و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی جهت تقویت و گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه؛
 - توسعه بازارهای صادراتی و تلاش جهت ماندگاری در این بازارها؛
 - توسعه اتحادیه‌ها و بازار و منطقه‌ای در راستای افزایش قدرت چانه‌سازی و برخورداری از سرمایه‌گذارهای منطقه‌ای و جهانی؛
 - تعامل با شرکت‌های چند ملیتی و شرکت‌های کوچک و متوسط دنیا؛
 - اتخاذ سیاست خارجی تعامل‌گرای فعالانه جهت تعامل با دنیا و فعال‌سازی ظرفیت‌های کشور در بازارهای جهانی؛
 - تسهیل و تقویت وابستگی متقابل بین ایران و همسایگان از طریق اتصالات زیربنایی و بلندمدت؛

- تلاش جدی و مستمر برای انعقاد موافقتنامه‌های ترجیحی و آزاد با کشورهای مختلف و به‌ویژه کشورهای آسیای مرکزی قفقاز، خاورمیانه و شمال آفریقا؛
 - اتخاذ رویکرد منطقه‌ای و بین‌المللی مناسب جهت استفاده از مزیت ترانزیتی کشور در تبدیل ایران به مرکز ارتباطی، اطلاعاتی و مسیر ترانزیتی منطقه؛
 - ایجاد همگرایی و یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای از طریق حرکت آزاد کالا، خدمات سرمایه، فناوری و نیروی انسانی در بخشهای مختلف اقتصادی؛
 - ایجاد و تقویت موسسات مردمی و خصوصی و سازمان‌های غیردولتی جهت تعامل با موسسات و سازمان‌های مشابه بین‌المللی به منظور تقویت و گسترش همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه و بین‌المللی؛
۸. بازنگری و اصلاح نظامات مختلف تاثیرگذار بر بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری نظیر نظامات تجاری، حقوقی، گمرکی، مالیاتی، بیمه، بانکی و اطلاعاتی:
- بازنگری و اصلاح نظام حقوقی با رویکرد بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری نظیر بازنگری و اصلاح قوانین متضاد و تدوین قوانین همسو و تسهیل کننده کسب و کار و پرهیز از تصویب هر گونه قانون مخل کسب و کار؛
 - بازنگری و اصلاح نظام گمرکی با رویکرد بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری؛
 - بازنگری و اصلاح نظام مالیاتی کشور با رویکرد بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری؛
 - بازنگری و اصلاح نظام بیمه‌ای کشور با رویکرد بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری؛
 - بازنگری و اصلاح نظام بانکی کشور با رویکرد بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری؛
 - تقویت و ایجاد نظام اطلاعات کشور با رویکرد بهبود فضای کسب کار موثر بر سرمایه‌گذاری.

۹. بازتعریف حقوقی بخش‌های اقتصادی کشور با محوریت بخش‌های خصوصی واقعی و تعاونی، توانمندسازی و بهره‌گیری از آنها در تصمیم‌گیری اقتصادی به‌منظور تسهیل فضای کسب‌وکار و توسعه سرمایه‌گذاری:
- اجرای سیاست‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی به‌صورت برنامه‌ریزی شده، کاملاً تدریجی و با حضور سرمایه‌گذاران خارجی؛
 - حمایت همه‌جانبه دولت از بخش خصوصی و تقویت اتاق بازرگانی؛
 - حضور بخش خصوصی در نهادهای تصمیم‌گیری کشور مانند سران قوا، سازمان حمایت، بانک مرکزی و...؛
 - توانمندسازی بخش خصوصی از طریق تعامل برنامه‌ریزی شده و اثربخش با دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی داخلی و خارج از کشور جهت مشارکت کارآمد در اقتصاد ملی و بین‌المللی؛
 - اصلاح قوانین معطوف به قوانین دولت و بخش خصوصی و با تاکید بر ترجیح بخش خصوصی.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) قابل دسترسی در سایت: WWW.KHAMENEI.IR
- اتاق بازرگانی و صنایع معادن تهران (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر سنجش و بهبود فضای کسب‌وکار در ایران.
- Σ دهقان، تورج، محنت فر، یوسف (۱۳۸۵)، بررسی مکتب نهاد گرایی در سیر اندیشه‌های اقتصادی، مجله اقتصادی، شماره ۵۵ و ۵۶.
- رحمانی، تیمور (۱۳۸۵)، اقتصاد کلان، تهران، انتشارات برادران، چاپ هشتم، جلد دوم، تهران.
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی.
- سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری (بند ۵ ابلاغ سیاست‌های کلی اشتغال ۱۳۹۰/۴/۲۸)
- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (ماده ۷ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴) - بندهای ۱۰ و ۱۲.
- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی - (بندهای ۸، ۱۸ و ۲۰، سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی).
- فرجی، یوسف (۱۳۷۵)، اقتصاد کلان، تهران، انتشارات کویر، ج ۱، ص ۱۲۰.
- قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مصوب مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰/۱۱/۱۶.
- قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیری و ارتقاء نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ (ماده ۳۸).
- میدری، قودجانی (۱۳۸۷)، سنجش و بهبود فضای محیط کسب و کار، انجمن مدیران صنایع.
- هرناندو دسوتو (۱۳۸۵)، راز سرمایه، فریدون تفضلی، انتشارات نی.

ب. منابع لاتین

- Doing Business World Bank, September. (2018-2007).